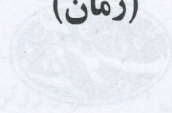


۱. Martin Sch...
 ۲. ...
 ۳. ...
 ۴. ...
 ۵. ...

لی لا، لی لا

(رمان)



مارتین زوتر

ترجمه مهشید میرمعزی



ناشر برگزیده ویژه سال ۱۳۹۲

۱. Martin Sch...
 ۲. ...
 ۳. ...
 ۴. ...
 ۵. ...

درباره‌ی مارتین زوتر

مارتین زوتر^۱، نویسنده‌ی سوئیسی سال ۱۹۴۸ در زوریخ به دنیا آمد. پس از دوران کارآموزی برای نوشتن متن‌های تبلیغاتی، در سن ۲۶ سالگی مدیر هنری یکی از مؤسسات معتبر تبلیغاتی در بازل شد. همراه روبرت اشتالدر^۲، مؤسسه‌ی تبلیغاتی اشتالدر و زوتر را تأسیس کرد. در تمام این مدت هم به کار نوشتن ادامه داد؛ از جمله گزارش‌هایی برای نشریه‌ی گتو^۳ و فیلم‌نامه‌های متعددی برای سینما و تلویزیون نوشت.

مارتین زوتر از سال ۱۹۹۱ رسماً به‌عنوان نویسنده کار می‌کند. از ۱۹۹۲ تا اوایل ۲۰۰۴ مسئول یک ستون هفتگی در نشریه‌ی ولت و ووخه^۴ بود که «بیزنس کلاس» نام داشت و انتشار این مقالات تا آوریل ۲۰۰۷ در نشریه‌ی «تاگس انسایگر»^۵ ادامه یافت. زوتر در سال ۱۹۹۵ برای همین سری مقالات جایزه‌ی صنایع اتریش را در مسابقه‌ی یوزف روت^۶ در کلاگن فورت^۷ دریافت کرد.

زوتر در ۱۹۹۷ با نوشتن اولین رمان خود به‌نام *دنیای کوچک*، به شهرت دست یافت. نیمه‌ی تاریک ماه و دوست بی‌نقص، دو اثر بعدی او

1. Martin Suter

2. Robert Stalder

3. Geo

4. Weltwoche

5. Tages Anzeiger

6. Joseph Roth

7. Klagenfurt

بودند که خود، آن‌ها را سه‌گانه‌های «جنایی و رفتارشناسانه» می‌خواند، زیرا قهرمان آن‌ها با بحران هویت دست و پنجه نرم می‌کند. *دنایای کوچک* در سال ۱۹۹۷ برنده‌ی جایزه‌ی افتخاری شهر زوریخ شد و در ۱۹۹۸ جایزه‌ی بهترین رمان خارجی در فرانسه را از آن خود کرد. همچنین در سال ۲۰۱۰ فیلمی از روی آن و با بازی ژرار دوپاردیو^۱ ساخته شد.

زوتر دو نمایش‌نامه‌ی *کمدی برای تئاتر نویمارکت*^۲ زوریخ نوشت که درباره‌ی چیزها (۲۰۰۴) و مومیایی‌ها (۲۰۰۶) نام داشت که آن‌ها هم با موفقیت روبه‌رو شد. همچنین دوست بی‌نقص او در سال ۲۰۰۳ برنده‌ی جایزه‌ی جنایی آلمان شد. زوتر در ۲۰۰۷ برای *شیطانی از میلان*، جایزه‌ی فریدریش گلاووزر^۳ را از آن خود کرد. به‌علاوه تلویزیون سوئیس در سال ۲۰۱۱ جایزه‌ی سوئیس (سوئیس آوارد)^۴ را در رشته‌ی ادبیات به دلیل این که آثار زوتر به صورت منظم در فهرست آثار پرفروش قرار دارند، به وی اعطا کرد.

بعضی از رمان‌ها: *دنایای کوچک*، نیمه‌ی تاریک ماه، دوست بی‌نقص، لی لا لی لا، *شیطانی از میلان*، آشپز، زمان، زمان. نمایش‌نامه‌ها: *خانواده‌ی چلر*^۵، *آواز تابستانی*، درباره‌ی چیزها، مومیایی‌ها.

فیلم‌نامه‌ها: میان فصل، خانم مدیر، برسینا یا آخرین روزهای سوئیس، گم شدن گیلیا، سر و صدای شب.

1. Gérard Depardieu

2. Neumarkt

3. Friedrich Glauser

4. Swiss Award

5. Familie Chäller

و این پتر لندوای، من بودم. غلتک ماشین تحریر سیاه مارک آندروود^۱ خود را چرخاند تا آخرین جمله پدیدار شد، سیگاری روشن کرد و صفحه‌ی تایپ شده را خواند.

باران هنوز با صدای خفهای، به‌سان صدای طبل روی سفال‌های سقف می‌کوبید. مرد، پنجره‌ی اتاق زیر شیروانی را باز کرد. صدای طبل‌گونه‌ی باران واضح‌تر و بلندتر شد. آب ناودان، دو متر زیر لبه‌ی پنجره به فاضلاب می‌ریخت. خیابان خیس، نور ضعیف تنها چراغ خیابان را در بن‌بست منعکس می‌کرد. یک ون که روی آن نوشته شده بود «سراجی و روکش مبل مائورر»^۲ مقابل خانه‌ی روبه‌رو پارک شده بود. پشت ویتیرینی با همان نوشته، چراغ روشن بود. مثل تمام شب‌ها و از زمانی که همسر آقای مائورر از دنیا رفته بود. مثل تمام شب‌ها، مردی کچل در اتاقی در طبقه‌ی اول همان ساختمان می‌نشست و زیر نور آباژور کتاب می‌خواند. مانند مجسمه‌ای مومی، بی‌حرکت بود. بقیه‌ی پنجره‌ها به استثنای پنجره‌ی یک اتاق زیر شیروانی و کنار دودکش، تاریک بودند. پتر قبلاً گاهی از خود

1. Underwood

2. Maurer